

این فایل فقط برای مشاهده می باشد . برای خرید فایل ورد و قابل ویرایش  
این گزارش تخصصی با قیمت فقط هشت هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی  
آسمان مراجعه کنید .

[www.asebankafinet.ir](http://www.asebankafinet.ir)

گزارش تخصصی انباردار و سرپرست کارگاه :  
راه های نهادینه کردن مراقبت از وسایل و اموال و ابزار آلات  
هنرستان در هنر جویان

[www.asebankafinet.ir](http://www.asebankafinet.ir)

## فهرست مطالب

۲.....	چکیده.....
۳.....	مقدمه.....
۵.....	بیان مسئله.....
۶.....	ارزیابی از وضع موجود.....
۷.....	اهداف گزارش تخصصی :.....
۷.....	هدف اصلی :.....
۷.....	اهداف جزئی :.....
۸.....	جمع آوری اطلاعات.....
۱۱.....	تجزیه و تحلیل و تفسیر داده ها:.....
۱۱.....	تفسیر:.....
۱۲.....	تجزیه و تحلیل داده ها بر اساس نمودار استخوان ماهی:.....
۱۳.....	اجرای راهکار های پیشنهادی و نظارت بر آنها:.....
۱۴.....	ارزیابی بعد از اجرای طرح.....
۱۴.....	نقاط قوت اجرای طرح.....
۱۸.....	چگونه می توان مشکلات رفتاری بی انضباطی را در آموزشگاه و کلاس کاهش داد؟.....
۱۹.....	راهکارهایی برای جلوگیری از وقوع مسائل و مشکلات انضباطی در مدارس.....

تذکر : ..... ۲۱

نتیجه گیری ..... ۲۲

## چکیده

همانطور که می دانیم امکانات و تجهیزات هنرستانها فرسوده و از رده خارج است و حتی پاسخگوی نیاز جمعیت کنونی هنرجویان هنرستانها هم نیست و بسنده کردن به آمارها، فریبی بیش نیست و اعلام اینکه ، ساخت و تجهیز هنرستانها و ایجاد هنرستانها در دستور کار قرار دارد، گره‌گشای کار نخواهد بود. جذب هنرجو در هنرستانها بدون توجه به نیازهای اولیه هنرجویان کاری نسنجیده است که موجب دلسردی هنرجویان خواهد شد. برای مثال، هنرستانی که در دهه ۷۰ برای چند رشته خاص و معدودی هنرجو تأسیس شده، اکنون تجهیزات آن فرسوده است و باید به‌روز شود؛ زیرا پس از ساخت و تجهیز اولیه و تحویل آموزشگاه از سوی سازمان نوسازی مدارس کشور به آموزش و پرورش، سازمانی که متولی این کار باشد، وجود ندارد. فراموش نکرده‌ایم که وعده‌های بسیاری برای تجهیز هنرستانها داده و همایش‌هایی نیز برگزار شده که حاصل آن برای هنرستانی‌ها وضعیت نابسامان کنونی است.

رویکرد توسعه فنی و حرفه‌ای فقط با حرف امکان‌پذیر نیست بلکه مقرر است که این موضوع با جدیت بررسی شود. به هر روی مسئولان وزارت آموزش و پرورش برای رسیدن به هدف مشترک می بایست تدبیری بیندیشند. نمونه افزایش آمار هنرجویان هنرستانهاست که ابتدا به هر طریق ممکن، حتی فرستادن قبولی‌های شهریور سال اول دبیرستان به هنرستانها، دانش‌آموزان تشویق می‌شوند به هنرستانها بروند و بعد که بحث کیفیت مطرح می‌شود ابراز نگرانی می‌کنند. آیا تدبیر و اندیشه در برنامه‌ریزی‌های مسئولان وزارت آموزش و پرورش جایگاهی دارد؟ یا اینکه هدف وسیله را توجیه می‌کند؟

اینجانب ... به عنوان انباردار و سرپرست کارگاه تصمیم گرفتم با توجه به اینکه وسایل کارگاه ها و سایت هنرستان محدود است و تهیه دوباره آنها کاری بس دشوار است که نیازمند بودجه زیادی است. دانش آموزان را ملزم به نگهداری از وسایل و امکانات کارگاه و سایت نمایم. تا در سال های بعد دچار کمبود امکانات نشویم.

### مقدمه

یکی از اصول مدیریت آموزشی ، رفتارهای مثبت مدیر در آموزشگاه می باشد. از آنجا که هر کلام و رفتار و برخورد مدیر دارای بار مثبت و منفی می باشد و محیط آموزشی متأثر از روابط سالم مدیر با مجموعه آموزشی واداری می باشد لذا رفتار مثبت مدیر دارای انرژی زیاد بوده و عامل فعالیتهای خوشایند می باشد. لذا هرگونه فعالیتهای مدیر در آموزشگاه به هنگام رفتارهای مثبت باعث شادمانی و ارتباط عاطفی مدیر با کارکنان و هنر جویان میگردد. مطمئناً مدیر نیز یک انسان بوده که عوامل مختلفی بر خلق و خوی او تاثیر میگذارد ولی تسلط مدیر بر اعصاب خود و کنترل رفتارهای بوجود آمده باعث رفتارهای مثبت دیگران میگردد. هنر جویان و کارکنان با تفاوتهای فردی و روحی در مواجهه با مدیر که یک الگوی رفتاری کامل می باشد به یک رفتار یکسان می رسند. تنش ها و کینه ها و دلواپسی ها عامل افت شخصیتی شده و مانع رفتارهای عاطفی سالم می گردند. میتوان رفتارهای مثبت خوب را با عینک خوشبینی در محیط آموزشگاه حاکم گرداند و رکن و عامل اصلی این رفتارها مدیر آموزشگاه می باشد.

افراد با شیوه های رفتاری متفاوت مانند دمدمی مزاج و بلغمی مزاج و نمونه های دیگر که برخاسته از جهان بینی و تفکر آنان و نوع تربیت روحی آنان میباشد در جامعه وجود دارند و هر یک دارای نقش خاص و عام در محیط زندگی خود می باشند و هیچ شکی در آن نمی باشد ولی تهذیب نفس و کنترل و هدایت غرایز خود میتواند تاثیر روحی و مثبتی بر افراد داشته باشد و مدیر آموزشگاه نیز باید هوشیارانه به این امر توجه داشته باشد.

همه نگاههای عوامل انسانی آموزشگاه مانند اولیا و هنر جویان و هنر آموزان و کادر اداری به شیوه رفتاری و اخلاقی مدیر می باشد.

مدیر آموزشگاه با استفاده از تخصص و دانش مدیریت و تحریبات کاری در محیط مدرسه باید اصل قاطعیت را در نظر داشته و به آن عمل نماید. در همه زمینه ها حرف آخر را مدیر آموزشگاه یزند و این حرکت با قاطعیت همراه خواهد . تهنر آموز استفاده از قاطعیت به توانمندی و مهارتهای مدیر آموزشگاه برمی گردد. در مسایل انضباطی هنر جویان و همکاران ،این قاطعیت مدیر می باشد که فضای مناسب برای رعایت مقررات و نظم را بوجود می آورد . البته این اصل منافاتی با روابط انسانی نخواهد داشت زیرا حتی در روابط انسانی نیز حریم و محدوده خاص وجود دارد. که افراد رعایت می کنند.اصل قاطعیت در حقیقت مرحله اجرایی فعالیتای میر آموزشگاه خواهد بود.پذیرفتن شخصیت مدیر باعث تاثیر بیشتر رفتارهای وی واصل قاطعیت در بین همکاران و هنر جویان میگردد. در مسایل آموزشی وپرورشی نیزنوع رفتار مدیر باید مصمم بودن و مقید بودن را برساند. اگر رفتارهای مدیریتی در شخص درونی شود بازتاب آن پذیرفتن شخصیت مدیر و محکمی تصمیم گیری های وی خواهد بود. یکی از مسائلی که بنده به عنوان سرپرست کارگاه و انباردار با آن مواجه بودم بی توجهی هنر آموزان به مراقبت و نگهداری از آنان بود. با توجه به کمبود وسایل سایت و امکانات و اموال بنده به عنوان انباردار و سرپرست کارگاه تصمیم گرفتم هنرجویان را به مراقبت از وسایل و اموال ترغیب نمایم.

تجهیز نبودن کارگاه های هنرستان ها و فراز و فرودهای ناشی از تغییرات فناوری و پیچیدگی در محل کار، هنوز در کیفیت ارایه آموزش های این مراکز سایه افکننده است تا شماری از فارغ التحصیلان همچنان برای ورود به بازار کار با مشکل روبرو شوند..

با توجه به کمبود امکانات در هنرستان اینجانب ..... تصمیم گرفتم با رویکرد انضباطی در هنر جویان آنها را به نگهداری از وسایل کارگاه و سایت کامپیوتر علاقه مند نمایم.

## بیان مسئله

توسعه کمی هنرستان‌ها یکی از رویکردهای دولت دهم است، افزایش ورودی هنرستان‌ها به شدت دنبال شد بدون اینکه به امکانات و تجهیزات مورد نیاز هنرجویان توجه شود.

اکنون که کمبود امکانات و تجهیزات در هنرستان‌ها حاد شده، دست‌اندرکاران در آخرین روزهای مسئولیت‌شان ابراز نگرانی می‌کنند. به گفته مسئولان وزارت آموزش و پرورش حدود ۵۰ درصد دانش‌آموزان وارد هنرستان‌ها شده‌اند ولی هنرستان‌ها قابلیت پرورش آنها را ندارند و هنرجویان با کمبودهایی دست به گریبان هستند که موجب اختلال در امر آموزش، به‌ویژه در رشته‌هایی است که نیاز به کارگاه و امکانات و تجهیزاتی دارد که بدون توجه به آنها هنرستان‌ها پذیرش شده‌اند.

اولویت مجموعه آموزش و پرورش در توسعه هنرستان‌ها مانند آموزش عالی، توسعه کمی است و کیفیت موضوعی است که در اولویت بعدی قرار می‌گیرد. همانطور که اولویت اول در حوزه آموزش عالی افزایش ظرفیت دانشگاه‌ها بدون توجه به کیفیت است. در طول ۳۲ سال گذشته تلاش آموزش و پرورش توسعه هنرستان‌ها بوده است و در ۳ سال گذشته توسعه هنرستان‌ها به ۴۵ درصد رسید.

سیاستگذاری این است که در آینده توسعه هنرستان‌ها به ۷۰ درصد برسد. تاکنون تمام تلاش مسئولان این بود که به هر ترتیبی که شده آمار هنرجویان هنرستان‌ها را افزایش بدهند، به همین دلیل توسعه رشته‌های هنرستانی و کاردانش در دستور کار قرار گرفت و رشته‌های جدید وارد هنرستان‌ها شدند، درحالی‌که امکانات و تجهیزات هنرستان‌ها در مقایسه با تعداد ورودی‌ها بسیار ناچیز است و فقط افزایش آمار هنرستانی‌ها هدف بود. در واقع استانداردها در توسعه هنرستان‌ها جایگاهی ندارد.

مسئولان آموزش و پرورش که قبلاً نبود امکانات و تجهیزات را در هنرستان‌ها انکار می‌کردند و سعی داشتند تا تعداد هنرجویان در رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش را بالا ببرند اکنون یکباره از کمبود تجهیزات و امکانات سخن می‌گویند و به‌گونه‌ای از آن ابراز نگرانی می‌کنند که گویی هیچ نقشی در توسعه کمی هنرستان‌ها و تشویق دانش‌آموزان به انتخاب رشته‌های هنرستانی نداشته‌اند.

اکنون بیشترین نگرانی برای سال تحصیلی جدید کمبود تجهیزات است. هدفگذاری جذب دانش‌آموزان در هنرستان‌ها برای مهرماه پیش رو جذب ۵۰ درصد از دانش‌آموزان پایه دوم هنرآموزستان است. با برنامه‌های تدوین شده نه تنها این رقم دست یافتنی است، بلکه جذب در هنرستان‌ها از مرز ۵۰ درصد هم خواهد گذشت. در مصوبات دولت حدود ۳۴ میلیارد تومان برای تجهیز هنرستان‌ها اعتبار پیش‌بینی شده است که اگر دولت و مجلس صد درصد این رقم را به آموزش و پرورش تخصیص دهند، می‌تواند گام‌های اولیه برای تحقق بخشی از برنامه‌های توسعه فنی حرفه‌ای و تجهیز هنرستان‌های کشور باشد.

### ارزیابی از وضع موجود

اینجانب ... مدت ... سال است که در آموزش و پرورش مشغول خدمت می‌باشم. در سال تحصیلی اخیر نکته‌ای که توجه مرا به خود جلب نمود بی‌انضباطی تعدادی از هنرجویان در کارگاه بود که وسایل کارگاه و سایت کامپیوتر را به نحوه درستی نگهداری نمی‌کردند و نظم و انضباط کارگاه و سایت کامپیوتر را به هم زده بودند و با توجه به شواهدی که داشته‌ام مسئله مورد نظر که مشکل اخلاقی و انضباطی هنرجویان به قرار زیر بود:

۱- در روزهای آغازین سال تحصیلی متوجه برخی بی‌انضباطی و بی‌انگیزگی‌هایی از جانب تعداد کثیری از هنرجویان شدم به حدی که این مسئله نوعی گریز و بی‌زاری از این هنرجویان به من القا کرد. اما بعد از دو سه روز از سال تحصیلی متوجه شدم که هنرجویان کمی آرام‌تر و متمایل‌تر به آموزشگاه شده‌اند و کمی جو آموزشگاه رو به دوستی پیش می‌رود و به این نتیجه رسیدم که می‌توان از در دوستی با ایشان وارد شد ۲- طی چند ماه متوجه شدم که از طرف هنرآموزان، همکاران و عوامل اجرایی و دفتر هنرستان هم به شدت از این هنرجویان انتقاد می‌شود و کارهایی را که هنرجویان انجام می‌دهند خلاف مقررات آموزشگاه است مثل ... و همه همکاران یکصدا می‌گفتند فلان و ... ولی هیچ کس در صدد اصلاح وضعیت نابهنجار بر نمی‌آمد.

۳- از جمله کارهایی که هنرجویان داخل کارگاه انجام می‌دادند که جو کارگاه را به هم می‌ریخت و باعث آزار من می‌شد این بود که وسایل کارگاه و سایت کامپیوتر را پراکنده می‌نمودند و به نظم سایت اهمیت نمی‌دادند.

۱- همواره داخل کارگاه ابراز خستگی و بی حوصلگی و بی علاقه‌گی به درس می کردند و می خواستند کارگاه را به مسائل غیر از مسئله درس بکشانند. گاهی هنر آموزان می گفتند که عده ای بدون اجازه از جا بلند می شوند. راه می افتند و نزد دوستان خود می روند. در این زمینه چندین بار با ایشان برخورد کردم ولی نمی دانستم چه کنم تا جلو این بی نظمی ها را بگیرم و وضع را بهبود بخشم تا اینکه:

پس از مدتی تصمیم گرفتم کاری را در زمینه حل مشکل کارگاه انجام دهم و برای این کار ابتدا از وضعیت نامطلوب کارگاه و جهت مستندسازی عکس هایی تهیه کردم و دیگر اینکه پرسشنامه هایی را به هنر جویان ارائه دادم که متأسفانه بی انگیزگی و بی علاقه‌گی در حل این سؤالات حتی در بین ایشان موج می زد. متأسفانه نمونه این پرسشنامه موجود نیست.

قدم بعدی گرفتن یک آزمون کوتاه در زمان وضعیت نامطلوب بود که از یکی از هنر آموزان خواستم آزمون فوق را برگزار نماید و در زمان انجام این آزمون مذکور حاضر شدم. در زمان برگزاری آزمون آنها به انحاء مختلف ابراز بی حوصلگی می کردند و سعی داشتند از روی همدیگر تقلب کنند. اینگونه مسائل مرا بر آن داشت تا در رفع مشکل با همکارانم در صدد حل مشکل برآیم .

## اهداف گزارش تخصصی :

### هدف اصلی :

نهادینه کردن حفظ و نگهداری از وسایل کارگاه و اموال هنرستان در هنرجویان

### اهداف جزئی :

۱ - بررسی علل بی انضباطی هنرجویان و نگهداری نکردن از وسایل و اموال هنرستان

۲ - بکار بردن روش هایی جهت مسئولیت پذیری هنر جویان در برابر اموال و وسایل هنرستان



## جمع آوری اطلاعات

در اولین گام برای جمع آوری اطلاعات پرسشنامه ای تهیه کردم و با طرح ۵ سؤال به هنر جویان نظرات ایشان را راجع به چگونگی رفتارها و نگرش و برنامه هایی که برای آینده خود دارند پرسیدم و شواهدی تهیه کردم. اما متأسفانه چنانکه قبلاً نیز ذکر شد این شواهد موجود نمی باشد اما پاسخ های ایشان به این پرسشنامه بسیار مایوس کننده بود. اما پرسشنامه دوم را مدتی بعد از شروع کار به ایشان دادم .

با توجه به پاسخ هایی که هنر جویان به پرسش نامه دادند اینگونه نتیجه گیری کردم که پاسخ اکثریت هنر جویان به سؤال «انگیزه و هدف از آمدن به آموزشگاه» هدف های خوب و ارزشمندی چون رفتن به دانشگاه و مفید بودن به حال خود و جامعه بود یا حداقل هدف ایشان ادامه تحصیل بود. از این پاسخ هنر جویان با آن اخلاق و بی انگیزگی که از آنها سراغ داشتم بسیار تعجب کردم و برایم جالب بود. البته ناگفته نماند که در پرسشنامه ی اول هنر جویان در پاسخ به این سؤال بیشتر گفته بودند هدفشان وقت گذرانی و تنوع است. پس در پاسخ آنها به سؤال اول تقریباً چنین برداشت کردم که هنر جویان حتماً انگیزه های خوبی برای درس خواندن دارند ولی عوامل دیگری چون جو آموزشگاه، هنر آموزان، کتب درسی، اولیاء و . . . باعث اینگونه بی انگیزگی ایشان شده است. البته در این نوبت هم بودند هنر جویانی که در جواب این سؤال گفته بودند حقیقتش نمی دانند چرا به آموزشگاه می آیند یا برای گذراندن وقت و . . . ولی اکثریت انگیزه های خوبی داشتند.

در پاسخ به پرسش «چرا بیشتر مواقع در کلاس ابراز خستگی و بی حوصلگی می کنند؟» عده ای روش تدریس بعضی از هنر آموزان را دوست نداشتند، گروهی از بعضی درسها بدشان می آمد، برخی کتابها را حجیم می دیدند و تعداد کمی هم عوامل بیرونی چون افکار و مشکلات خارجی (خانواده و . . . ) را دخیل بر بی حوصله بودن سر کلاس می دانستند. با توجه به جمع بندی پاسخ های هنر جویان به این پرسش به این نتیجه رسیدم که با تغییر روش تدریس توسط هنر آموزان و متنوع کردن کلاس حداقل کاری که می توان انجام داد تا به بهبود این وضع کمک شود و اتفاقاً چنین هم شد و تا حدی با تغییر روش به هدفم رسیدم.

در جواب سؤال «رابطه با اولیاء» هنر جویان اکثراً می گفتند که روابط خوبی با اولیائشان دارند و از آنجایی که پرسشنامه ها بی نام بود چند نفری هم که نوشته بودند رابطه خوبی ندارند را نتوانستم پیدا کنم و با اولیائشان صحبت کنم. به جز یک مورد که نوشته بود رابطه اش با پدرش افتضاح است که اتفاقی متوجه شدم پرسشنامه چه کسی است، از او خواستم به پدرش بگویند بیاید تا با او صحبت کنم. پدرش آمد و وقتی با او صحبت کردم از حرف هایمان به این نتیجه رسیدم که فقط حساسیت های پدرانه و دلسوزانه پدر و شرایط سنی آن هنر جو است که تصور می کند رابطه اش با پدرش بد است. در پاسخ به سؤال «نظر شما در رابطه با فرزندتان چیست؟» اکثریت نظر منفی داشتند که با توجه به پاسخ های پرسشنامه همکاران نیز به این نتیجه رسیدم که متقابلاً همکاران هم نظر خوبی نسبت به هنر جویان ندارند.

مشاهده کردم هنر جویان در پاسخ به سؤال «چه برنامه ای برای آینده خود دارید؟» اکثراً ایده ها و برنامه های خوبی داشتند مثل رفتن به دانشگاه، سر کار رفتن و پولدار شدن، ازدواج و . . . دانستم که باید به دنبال عوامل مخرب و موانع راه ایشان گشت و آنها را از بین برد تا هنر جویان به هدف های درستشان هدایت شوند. پس از آن از وضع نامطلوب کارگاه عکس هایی گرفتم که زمان گرفتن عکس های هنر جویان متوجه شدند. چند بار متوجه شدم هنر جویان داخل کارگاه تمرکز ندارند و به مسائل حاشیه ای می پردازند. و این باعث حواس پرتی می شود. نمی دانستم با ایشان چه کنم. با مشورت با همکاران به این نتیجه رسیدیم که اینگونه با ایشان مقابله کنیم برای جلسه بعدی یک آزمون بسیار کم حجم در کارگاه گذاشتیم و در جلسه بعد بود با بهانه تراشی و تقلب و تمارض هنر جویان مواجه شدیم و نتیجه مطلوب و دلخواهی در روند کار دیده نشد. نمره هنر جویان هم یکی دیگر از شواهد و مشاهدات مستقیم من بود .

در نوبت بعد با هنر جویان صحبت کردم و به صورت شفاهی مصاحبه ای انجام دادم که «هنر جویان هیچ فکر کرده اید چند مدتی است کارگاه آشفته شده و تا پایان سال تحصیلی وقتی نمانده. چه برنامه ای دارید؟ چه می خواهید انجام دهید؟ چرا درس نمی خوانید؟ و . . . چرا چنین جوی را از نظر اخلاقی و درسی ساخته اید؟» که با این پاسخ ها مواجه شدم: آقا چرا رفتار درست و مساعد داشته باشیم؟ چرا درس بخوانیم در حالیکه نه رفتار

خوب ما و نه تغییرات درسیمان به چشم هنر آموزان نمی آید. هیچ یک از رفتارهای مثبت ما دیده نمی شود اما روی کارهای بدمان ذره بین گذاشته شده. تشویق نمی شویم. برخی از هنر آموزان ما که الگوی ما هستند با ما بد رفتاری و گاهاً به ما توهین می کنند. بسیار از این حرف ها متأسف و متأثر شدم و در صدد راه چاره برآمدم. ابتدا با هنر آموزان وارد بحث در حیطه ی این موضوع شدم که خوشبختانه آنها ابراز نمودند تا حد ممکن به من در جهت رفع این مشکل کمک می کنند من برای بهبود وضع هنر جویان از ایشان خواستم در جلسه شورای آموزشگاه موضوع را مطرح کنیم و از همکاران یاری بخواهیم که متأسفانه جلسه ای برگزار نشد. اما شخصاً در صدد برآمدم با تهیه پرسشنامه ای با موضوع بی نظمی هنر جویان نظرات و پیشنهادات همکاران را جویا شدم . با توجه به پاسخ همکاران در مورد این هنر جویان متأسفانه به این نتیجه رسیدم که نظرات چندان مطلوبی نداشتند. اکثراً آنها را نامطلوب و نابهنجار تلقی می کردند. بیشتر همکاران نداشتن انگیزه، خانواده، دوستان، بی خیالی و . . . را علت ناهنجاری رفتار هنر جویان می دانستند. مگر یک مورد از همکاران که نظر نسبتاً مساعدی داشت. از قضا نظر خیلی از هنر جویان نسبت به این همکار (طی پرسشنامه و مصاحبه ی حضوری که با آنها داشتم) چندان مساعد نبود و اکثراً از خفقان سر کلاس ایشان حرف می زدند. به زعم اینجانب هنر جویان به دلیل جدیت شدید این همکار محترم سر کلاس وی آرامش را حفظ می کنند و ایشان هم نسبتاً، از این وضع راضی هستند. در زمینه پیشنهادات همکاران راجع به بهبود وضع این کلاس اکثراً دوستی بیشتر، برخورد جدی توأم با مهربانی، تشکیل کارگاه هایی اخلاق اسلامی و استفاده از سخنران مجرب و تشویق هنر جویان و ارزش دادن به آنها را مؤثر می دانستند. ولی با توجه به مصاحبه ای که با هنر جویان انجام دادم و پرسشنامه هایی که پر کردند، به این نتیجه رسیدم که احتمالاً این نظرات و پیشنهادات در حد شعار است و هیچ کدام از ما و همکاران متأسفانه اقدام جدی در این زمینه انجام نداده ایم و در کل از دید اکثر همکاران پر از مشکل است ولی هیچ کس تا به حال در صدد رفع مشکلات بر نیامده است. کتبی در این زمینه به من کمک می کرد و مطالعه کردم و برخی از بخش های آن به عنوان پیشینه ی تحقیق آمده است که در این رابطه منابع زیر را مطالعه کردم:

۱- هنجار و ناهنجار ← دکتر شکوه نوابی نژاد

۲- اخلاق و تربیت اسلامی ← استاد مرتضی مطهری

### تجزیه و تحلیل و تفسیر داده ها:

مشکل بعضی از هنر جویان در کارگاه چنان که قبلاً ذکر شد بی انضباطی هنر جویان بود و من در صدد پیدا کردن معضل برآمدم و برای رسیدن به راههای مطلوب از روش ۶ پرسش برای تجزیه و تحلیل استفاده کردم. به شرح ذیل:

- ۱- چه عواملی باعث شده است که هنر جویان اینقدر بی انگیزه و گستاخ و . . . شوند؟
- ۲- چرا هنر جویان در کارگاه تمایلی به بهبود وضعیت رفتاری کلاس ندارند؟
- ۳- چگونه می توان این وضعیت نامطلوب را به سمت وضعی مطلوب سوق داد؟
- ۴- چه کسی یا کسانی می توانند مرا در رسیدن به هدفم (راهکاری برای بهبود اوضاع کارگاه) یاری دهند؟
- ۵- از کجا شروع کنم تا بتوانم هنر جویان را به بهبود اوضاع مایل کنم؟
- ۶- از چه زمانی می توانم اقدامات لازم را در بهبود وضع هنر جویان اجرا کنم؟

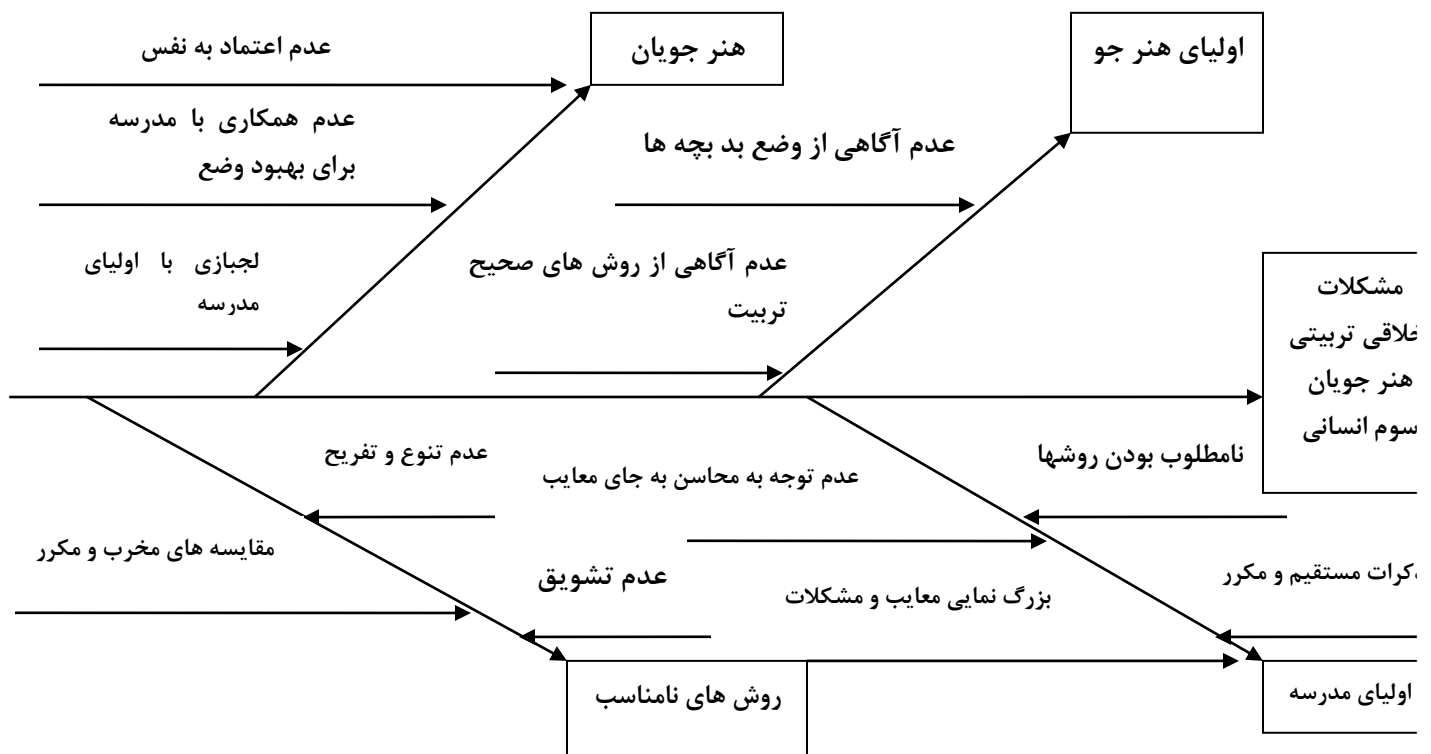
### تفسیر:

با توجه به جمع اوری اطلاعات برای پاسخ به ۶ پرسش این نتایج بدست آمد:

عواملی که هنر جویان را در کارگاه را اینگونه بی انگیزه و گستاخ کرده عبارتند از: عدم آگاهی هنر جویان از اینکه اینگونه رفتارهای آنها چقدر ممکن است در نگرش و دیدگاه دیگران نسبت به آنها و . . . گران تمام شود. علت دیگر این بود که اولیای آموزشگاه نقطه های مثبت رفتاری هنر جویان را نمی دیدند و مدام انگشت روی نقاط ضعف آنها می گذاشتند و دائم به قول خود هنر جویان سر هر مسئله ای به آنها گیر می دادند به حدی که هنر جویان اعتقاد داشتند سال تحصیلی که تمام است و هر چه بوده گذشته و این مدت باقی مانده هم با بی خیالی می گذرد. به این نتیجه رسیدم که از جمله افرادی که می توانند مرا در امر رسیدن به راهکارهای مطلوب

یای دهند، در هر مرحله ای خود هنر جویان هستند و بعد از ایشان همکاران آموزشگاه، هنر آموزان و اولیای هنر جویان و برای رسیدن به هدفم با افراد ذیصلاح مشورت کردم. مثلاً به پیشنهاد یکی از هنر آموزان تصمیم گرفتیم از نمایش یک فیلم در امر تعلیم و تدریس یک درس استفاده کنیم و به صورت غیر مستقیم اخلاق پسندیده را به آنان آموزش بدهیم. ار آنجایی که هنر جویان به فیلم علاقه مند هستند، این امر هم در ایجاد رابطه ای دوستانه و ساختن جوی مساعد مرا یاری کرد و هم تقریباً نتیجه ی دلخواهی نصیبم شد. دیگر اینکه با ایجاد یک اردوی دوستانه با هنر جویان توانستیم از خوشان در حل مشکلشان استفاده کنیم. و تشخیص دادم زمان مساعد و مناسب برای اقدام های لازم دقیقاً بعد از شناخت معضل و مکان مناسب این کار در مرحله ی اول می تواند خانه و بعد آموزشگاه و مکان هاب تفریحی و اردوگاهها باشد.

### تجزیه و تحلیل داده ها بر اساس نمودار استخوان ماهی:



## اجرای راهکار های پیشنهادی و نظارت بر آنها:

راهکارهای پیشنهادی را می توان از درون داده ها چنین بدست آورد و نتیجه گرفت:

- ۱- گرفتن کمک از خود هنر جویان در حل معضل خودشان با ایجاد ارتباط و دوستی
- ۲- مشورت و جلسه با اولیای آموزشگاه و همکاران و گرفتن ایده های ایشان برای حل معضل
- ۳- مشورت با اولیای هنر جویان برای حل معضل
- ۴- ایجاد انگیزه با ترتیب دادن برنامه های متنوع و برنامه های شاد
- ۵- تقویت اعتماد به نفس و تشویق و ترغیب ایشان به بهبود اوضاع
- ۶- توجه به محاسن و ندیدن و اغماض عیوب ایشان تا حدی که به مسئله تربیتشان لطمه نزنند و به آنها کمک کند.

۷- تغییر روش تربیتی و آموزشی از سنتی به نوین

۱- گرفتن کمک از خود هنر جویان در حل معضل خودشان با ایجاد ارتباط و دوستی. در این مورد چنانچه به خاطر دارم، در اوایل امر سعی کردم خودم هم کمی خشک برخورد کنم و فکر می کردم اگر با هنر جویان راحت تر باشم ممکن است مورد سوء استفاده قرار بگیریم و این را یکی از عواملی دیدم که در خراب شدن اوضاع کارگاه و ایجاد فاصله بین من و هنر جویانم و سخت شدن کار مؤثر بود. به طور مثال زمانی که حتی هنر جویان ابراز علاقه به اینجانب می نمودند حال یا به زبان می آوردند یا به هر نحو دیگری، من نیمه ی خالی لیوان را می دیدم و فکر می کردم همه ی این رفتارهای آنها چاپلوسی است و همین امور باعث ایجاد شکاف و مشکل شد. تا اینکه در طی این مدتی که روی این اقدام پژوهی انجام می دادم .

۲- مشورت و جلسه با اولیای آموزشگاه در راستای حل معضل هنر جویان به دلایل ذیل به وقوع نپیوست:

اول اینکه مسئله را با اولیای آموزشگاه مطرح کردم و از آنها راهکار خواستم و گفتم کاش همه همکارانی که با هنر جویانی این کلاس سر و کار دارند را در یک جلسه گرد هم می آوردم و با مطرح کردن مسئله از نظرات ایشان نیز بهره می بردیم. ایشان گفتند در یک جلسه شورای هنر آموزان مسئله را عنوان می کنیم که جلسه

شورا یکی دو بار پس از این صحبت تشکیل شد که همیشه متأسفانه مسائلی که از دید آموزشگاه مهم تر بود مانع از طرح مسئله کلاس شد و این مسئله هیچ گاه در شورا مطرح نشد. این بود که تصمیم گرفتم با ایجاد پرسشنامه از نظرات همکاران استفاده کنم که متأسفانه نسبت به جلسه شورا نتوانست به عنوان راهکاری مؤثر واقع شود. در مورد نظرات اولیای هنر جویان و جلسه با ایشان هم همین موانع وجود داشت.

۳- توجه به محاسن و ندیدن و اغماض عیوب ایشان تا حدی که به مسئله ی تربیتشان لطمه نزند و به آنها کمک کند. در این زمینه سعی کردم همیشه توانایی های هنر جویانی مذکور را درشت تر ببینم و گه گاه برخی کارهای مثبتشان را به عنوان الگو مطرح کنم. از آنجایی که هنر جویان با هم در ارتباط اند و به یکدیگر اطلاع می دهند که فلان کس راجع به شما چه می گفت، هنر جویان باور کردند که نقاط مثبتی هم دارند. پس از گرفتن یک آزمون و مشاهده ی نتایج مطلوب تر از گذشته ی ایشان سعی کردم ایشان را تشویق کنم که در جهت جلب اعتماد به نفس و ایجاد انگیزه و ایجاد رابطه ی حسنه ی خودم با هنر جویان بسیار مؤثر بود. پرسشنامه ای ترتیب دادم و نظرات همکاران را جویا شدم که پیشنهادات و اظهار نظرات ایشان نیز مرا در این امر تا حدی یاری رساند.

### ارزیابی بعد از اجرای طرح

با توجه به طرح معضل و یافتن راهکارها پس از پرسش از هنر جویان و همکاران و مشورت و همیاری دوستان و همکارانم عکس ها و اسنادی از هنر جویان تهیه کردم که سیر تدریجی بهبود اوضاع کاملاً قابل دریافت بود

### نقاط قوت اجرای طرح

براساس تأثیرات اقدامات انجام شده را بنا به دلایل زیر مثبت ارزیابی کردم:

گزارشی از کارگاه مذکور تهیه شد و تعیین اعتبار از طریق افراد زیر انجام گرفت:

۱- ارزیابی طرح توسط هنر جویان به وسیله پرسشنامه ۲- توسط خودم

۳- توسط همکاران و هنر آموزان ۴- به وسیله کتاب ها

هنر جویان پس از انجام اقدام پژوهی به نگهداری از وسایل کارگاه و سایت کامپیوتر علاقه مند شده بودند. برای تحقق اهداف نظم و انضباط در مدارس باید با تکیه بر همه مطالب یاد شده، به دو موضوع مهم اصول انضباط و روش های آن توجه خاص داشت:

#### الف - اصول انضباط

اعمال و برقراری انضباط تابع اصول و قواعدی به شرح زیر است که بدون درک آن ها امکان موفقیت در تغییر و اصلاح رفتار وجود ندارد:

- ۱- مبنای انضباط باید بر پایه دوستی دو طرفه عوامل آموزشگاه و شاگردان باشد.
  - ۲- مسائل انضباط صرفاً به محیط آموزشگاه محدود نمی شود. هنر جویان فقط چند ساعتی در آموزشگاه هستند و بقیه ساعات زندگی خود را در خانواده و محله می گذرانند. بنابراین، ریشه های آن را باید در جاهای دیگر نیز دید و برای حل آن نیز باید از آن ها کمک گرفت.
  - ۳- انضباط نباید بر پایه تنبیه اعمال شود.
  - ۴- کنترل فرد بر رفتار خود از ضروریات ارزش انسانی است و بنابراین، برای برقراری انضباط باید از خود هنر جویان استفاده کرد و خودشان درباره ی رفتارشان و چگونگی تأمین انضباط تصمیم بگیرند.
  - ۵- انضباط باید به عنوان یک امر ضروری برای زندگی جمعی در آموزشگاه به حساب آید و همه اعضای سازمان آموزشی مانند هنر جویان، هنر آموزان، کارکنان، مدیران و حتی اولیاء آن را درک کنند.
  - ۶- باید برای برقراری انضباط، مطالعات و امکانات لازم و آموزش آن پیش بینی شود.
  - ۷- برای برقراری انضباط، هنر جویان باید درک کنند که انضباط فقط مربوط به آموزشگاه و برای آموزشگاه نیست، بلکه آن پایه ای برای انضباط اجتماعی و رعایت مقررات و نظم جامعه و زندگی است.
  - ۸- درک چرهای رفتاری و انضباطی مقدم بر رفتار ظاهری و رعایت انضباط است.
  - ۹- از آن جا که انضباط مربوط به تمام زندگی است، توجه به نکات زیر ضروری است.
- الف - نگاه به انضباط برای حفظ سلامتی و بهداشت فرد و اجتناب از عادت های بد،



- ب- کوشش مستمر به سوی توسعه و بهسازی روانی و ذهنی،
- ح- آزاد اندیش شدن و رعایت حدود آزادی ها و حقوق دیگران،
- د- اجتناب از بدخواهی علیه هر کس
- ه- آموزش و توسعه سعه صدر، دوستی و عدالت نسبت به دیگران.
- ۱۰- رعایت اصل اعتدال و عدالت در امور انضباطی بر اساس توان و تکلیف افراد.
- ب- روش های برقراری انضباط
- بر پایه مطالعات و گفتاری پیشین، روش های زیر برای برقراری انضباط پیشنهاد می شود:
- ۱- به کار گیری مشکل شناسی به عنوان پایه اصلی رهبری و مدیریت انضباط در سازمان آموزشی.
  - ۲- تعیین اهداف، استانداردها، قوانین و مقررات روشن.
  - ۳- روش ساختن و تفهیم انتظارات آموزشگاه از هنر جویان و کارکنان.
  - ۴- کوشش برای اعمال کوشش ها و فعالیت های هماهنگ بین مدیر، هنر آموزان، هنر جویان و اولیاء.
  - ۵- بالا بردن توانایی های هنر آموزان و مدیران در انگیزش، روش تدریس و روابط.
  - ۶- بستر سازی و دادن مسئولیت برای خود کنترلی هنر جویان در امور آموزشگاه.
  - ۷- داشتن روابط حسنه با هنر جویان - احترام به جای ترس.
  - ۸- پیش بینی برنامه های متنوع ولی منظم و زمان مند بر اساس نیازهای هنر جویان و اهداف تعلیم و تربیت و تلفیق آن ها.
  - ۹- به کار گیری و دخالت هنر جویان در امور برنامه ریزی و استقرار نظم و انضباط.
  - ۱۰- ارتباط بین اولیاء و مربیان و توافق آن ها در مسائل تربیتی و روش ها.
  - ۱۱- اعمال روش های درست تشویق و تنبیه.
  - ۱۲- برنامه دار بودن و پیش بینی فعالیت ها.

هدف از انضباط این است که فرد را قادر به سازش با قوانین و مقرراتی کند که فرهنگ یک گروه پذیرفته است به طوری که رفتار خود را با توقعات و خواسته های سالم اجتماعی که در آن زندگی می کند هم آهنگ نماید .

اهمیت انضباط به شرح زیر است :

الف - سلامت جامعه

ب - شادی و نشاط فرد

ج - سازش فردی و اجتماعی

د - احساس امنیت

ه - اعتماد به نفس

و - جلب محبت دیگران

ز - صرفه جویی در وقت

انضباط سبب ایجاد عظمت برای انسان است و این که رعایت انضباط در کلاس درس نه تنها موجب یادگیری بهتر می شود بلکه به رشد سالم شخصیت هنر جو هم منجر می شود . به عکس هرگونه بی انضباطی و عدم رعایت مقررات و انضباط سبب شرمندگی ، احساس گناه و خسارت مادی و معنوی می شود .

همان طور که در پزشکی ، پیشگیری خیلی با ارزش تر از درمان است درمسایل انضباطی هم این اصل حاکم است یعنی پیشگیری با ارزشمندتر از اصلاح می باشد . رعایت اصول انضباطی را باید از زمان کودکی به هنر جویان یاد داد .

در بررسی تاریخچه ی زندگی افراد بزهکار دیده شده است که این افراد در سنین کودکی و نوجوانی هم معمولا افرادی بی انضباط و لاقید بوده اند . عکس قضیه هم صادق است یعنی وقتی تاریخچه ی زندگی و سوابق افراد صاحب نام را بررسی کرده اند دریافته اند که این افراد در سنین کودکی و نوجوانی هم معمولا افراد منضبط بوده اند .

## چگونه می توان مشکلات رفتاری بی انضباطی را در آموزشگاه و کلاس کاهش داد؟

الف) راه کارهای مبتنی بر سیستم آموزشگاه

۱- داشتن قوانین صریح و روشن:

یکی از عوامل مهم در پیشرفت مدارس و کاهش مشکلات رفتاری هنر جویان داشتن قوانین صریح، روشن و دقیق است. اکثر هنر جویان طالب معیارها و موازین رفتاری هستند و از بی قانونی سردرگمند یک اساس نامه رفتاری با توصیف و تشریح خوب و متولیان خیرخواه از عوامل اساسی در ایجاد اعتماد به نفس و موفقیت هنر جویان است.

۲- استفاده بیشتر از مشارکت هنر جویان:

هر چقدر هنر جویان در آموزشگاه به حساب بیایند و هرچقدر بتوانیم آن ها را در آموزشگاه مشارکت دهیم و از توانمندی های آن ها استفاده کنیم ، کمک می کنیم که آن ها به ما اعتماد بیشتری پیدا کنند و ما را منصف تر بدانند، این کار سبب نزدیکی بیشتر عوامل آموزشگاه به هنر جویان می گردد و علاوه بر آن توانمندی های آن ها را رشد داده و اعتماد به نفس هنر جویان را تقویت می کند. شوراهای هنر جوی ، مشاوره همپایان، انجمن اسلامی، بسیج هنر جوی، گروه های همدرس، انجمن های علمی و ... محمل بسیار مناسبی برای استفاده بیشتر از مشارکت هنر جویان است.

۳- تلاش برای ایجاد جو صمیمی بر مبنای روابط انسانی در آموزشگاه:

اگر در جو آموزشگاه رابطه ی رئیس و مرئوس ، رئیس و هنر جو، دستورات یک طرفه، امر و نهی، نصیحت، پرگویی، ادبیات دلسرد کننده و منفی رواج داشته باشد جو آن آموزشگاه غیر صمیمی است. در چنین محیطی به مرور افراد از هم دور می شوند؛ حرف همدیگر را کمتر می فهمند؛ علیه هم متحد می شوند ؛ دلسوزی از کارشان محو می شوند؛ افراد فقط به دنبال انجام وظیفه هستند و به نتیجه و کیفیت کار توجه چندانی ندارند؛ کارکنان از هم دلخور و ناراحت هستند؛ فرسودگی شغلی در این محیط بالاست و از همه مهمتر موفقیت در این سیستم دست نیافتنی است و هنر جویان کم انگیزه بیشتر از سایرین از این محیط در رنج هستند.

بنابراین برای حل این مشکل نیاز است :

سیستم مدیریتی آموزشگاه مدل رهبری آموزشی باشد

هر قدر از رئیس بودن به سمت رهبر بودن حرکت کنیم، صمیمیت در آموزشگاه بیشتر خواهد شد .

### **راهکارهایی برای جلوگیری از وقوع مسائل و مشکلات انضباطی در مدارس**

- برنامه مناسبی برای جلوگیری از وقوع بی انضباطی های هنر جویان و اطلاع از رفتار آنها طراحی شود.
- شرکت دادن هنر جویان در برنامه های انضباطی و روشن کردن قوانین، مقررات و انتظارات آموزشگاه از آنها.
- روش های تدریس و آموزش های معلم باید با توانایی ها، استعداد و تفاوت های فردی هنر جویان متناسب باشد و از بکارگیری روش های یکنواخت، خسته کننده و بی حاصل احتراز کند.
- هنر جویان معمولاً دارای مسائل و مشکلات جسمی، روحی، اجتماعی و عاطفی مختلفی هستند، که بی توجهی به آنها موجب آزدگی و احتمال بروز مسائل و مشکلات انضباطی در آنان می شود.
- همان طوری که انتظارات بالای معلم از هنر جویان موجب ناکامی آنها می شود، انتظارات پایین معلم نیز موجبات ملالت، بیزاری و بی حوصلگی آنان از درس، معلم و آموزشگاه را فراهم می کند.
- معمولاً بی توجهی به درس معلم، برهم زدن کلاس، بازی گوشی هنر جو، دفاعی است که او در مقابل شکست، تحقیر و یا به منظور اظهار وجود، ابراز می دارد. بنابراین باید به آنچه که هنر جویان احساس یا فکر می کنند، خوب گوش فرا داد در توان خواسته های معقول و منطقی آنها را برآورده کرد.
- هنگامی که هنر جویان احساس ترس، اضطراب، خشم و غیره می کنند، بیشتر مرتکب سوءرفتار و بی انضباطی می شوند.
- معلمانی که هنر جویان خود را درک می کنند و به حرف های آنها توجه دارند، خیلی راحت تر و بهتر می توانند با شاگردان رابطه عاطفی و دوستانه برقرار کنند که در نتیجه از بسیاری از مشکلات، شیطنت ها و بی انضباطی های آنها جلوگیری خواهد شد.

- استفاده از روش های تدریس یکنواخت، موجب بی توجهی هنر جویان به درس، به هم خوردن موقعیت یادگیری و ایجاد شلوغی و بی نظمی در کلاس خواهد شد.
- برای اوقات فراغت هنر جویان در آموزشگاه و کلاس درس باید برنامه ریزی کرد تا از بروز مسائل و مشکلات انضباطی آنها جلوگیری شود.
- در تهیه و تنظیم قوانین و مقررات انضباطی، مسئولان آموزشگاه باید از شاگردان خود به عنوان یک طرف مشورت استفاده کنند. زیرا طرح و تدوین مقررات انضباطی با شرکت هنر جویان بسیار بهتر از مقررات تحمیلی و یک جانبه خواهد بود و همکاری و مساعدت هنر جویان را بیشتر جلب خواهد کرد.
- هنگامیکه قوانین و مقررات انضباطی خاصی در آموزشگاه برقرار می شود، باید تمامی شاگردان را ملزم به اطاعت از آن کرد. در صورت رعایت نکردن یا نقض قوانین نه فقط نباید هیچ گونه عذر و بهانه ای را از فرد خاطی پذیرفت، بلکه باید او را وادار کرد تا نتایج و پیامدهای مربوط به آن را نیز تحمل کند.
- زیرا قبول عذر و بهانه های هنر جویان، دروغ پردازی، عدم احساس مسئولیت، زیر پا گذاشتن قوانین و بسیاری دیگر از بی انضباطی ها را اشاعه می دهد.
- در برخورد با هنر جویان باید از تقویت کننده هایی مانند نوازش، دست دادن با آنها، دست به شانه آنها زدن، خواندن نام کوچک آنان و غیره استفاده شود. زیرا رفتار و برخورد صمیمانه با هنر جویان تا حدود بسیار زیادی از بی انضباطی و شرارت آنها می کاهد. البته باید احتیاط کرد، تا جنبه سوء تفاهم و سوء استفاده پیش نیاید.
- از دخالت زیاد در زندگی خصوصی و شخصی هنر جویان، که در حیطه اختیار دست اندرکاران آموزش و پرورش نیست، باید خودداری شود. زیرا این کار موجب تشنج، عصبانیت و حساسیت هایی در آنها می شود.
- برقراری انضباط از راه تنبیه، پیامدهایی نظیر مقاومت، بی اعتنائی، یاغیگری، عصیان، منفی بافی، شورش، تملق گوئی، لجبازی، کناره گیری، و فرار از زندگی هنر جو را به دنبال خواهد داشت.

- مقررات و قوانین انضباطی تنظیم شده باید با توانایی، رشد، مشخصات و سن هنر جویان، تناسب داشته باشد.
- مقرراتی که در آموزشگاه وضع می شود، باید برای تمامی هنر جویان و مسئولان و در هر زمان مورد احترام باشد، در غیر این صورت هنر جویان نسبت به آموزشگاه و مقررات آن، بدبین و بی اعتماد می شوند.
- تردیدی نیست که هنر جویان باید برای رفتار پسندیده و پیشرفت تحصیلی خود مورد تشویق قرار گیرند و رفتار ناپسند آنها هم به نحوی، ضعیف و خاموش شود.
- متأسفانه دیده شده است از آنجا که هنر جویان خوب و منضبط برای معلم مشکلی ایجاد نمی کنند، معمولاً مورد بی مهری و بی توجهی قرار می گیرند. برعکس هنر جویان ناسازگار و بی انضباط، چه از طریق مثبت و چه از طریق منفی بیشتر مورد توجه معلم و مسئولان آموزشگاه قرار می گیرند. این کار باعث می شود هنر جویان خوب و با انضباط نیز به تدریج دلسرد و بی تفاوت شوند و ممکن است که دست به بی انضباطی و کارهای نامعقول بزنند.
- تشویق و تنبیه معلم و مسئولان آموزشگاه باید به موقع و با رفتار هنر جویان متناسب باشد، تا مفید و مؤثر واقع شود.
- مسئولان مدارس و معلمان باید با دادن حق تصمیم گیری و اظهارنظر به هنر جویان، روح اعتماد به نفس، خوش بینی، استقلال طلبی و مسئولیت پذیری را در آنها بوجود آورند.

### **تذکر:**

مدیران هنرستانها به هنگام تغییر سمت و یا جایجایی از پست فعلی خود، موظف هستند فهرست اسناد و مدارک دفاتر امتحانات، آمار، اموال، اندیکاتور، بازرسی و دفاتر امور مالی و همچنین صورت اموال و تجهیزات تمام بخشها و سایر وسایل هنرستان را در سه نسخه برابر مقررات تنظیم و پس از تحویل و تأییدمدیر جدید هنرستانها یا فردی که از سوی اداره معین شده است یک نسخه آن را به اداره آموزش و پرورش محل ارسال و نسخه دوم را در مدرسه بایگانی و نسخه سوم را به عنوان رسید نقل و انتقال برای خود نگهداری کند.

## نتیجه گیری

اگر دانش‌آموزان در آموزشگاه نظم و انضباط را رعایت کنند نتیجه آن مسئولیت‌پذیری آنها خواهد بود. این دانش‌آموزان با رعایت حقوق تمامی افراد و برخوردهای منطقی با مخالفین و احترام متقابل، از عصاره بدست آمده از رعایت رفتار و عمل به آن در سطح آموزشگاه و بعد از آن پیاده کردن کاربردی‌تر در سطح اجتماع رفتار می‌کنند که می‌تواند راهگشای بسیاری از مشکلات و کشمکشهای موجود در داخل اجتماعات انسانی باشد.

اگر به دانش‌آموزان بی‌انضباط و یا کم‌فعال آموزشگاه مسئولیتی را بدهیم و اجازه دهیم آن را تجربه کنند قطعاً این دانش‌آموزان از نظر انضباطی بهبودی پیدا خواهند کرد فقط این کار مستلزم فرآیند آزمایش و خطاست.

این مسئولیت‌ها باید از کوچک شروع شود و پس از آنکه دانش‌آموز از خود قابلیت ایفای مسئولیت را نشان داد مسئولیت‌های مهم داده شود. دانش‌آموز، با احساس مسئولیت کردن، به بحث و تصمیم‌گیری و مشارکت در آموزشگاه می‌پردازد که باعث ایجاد آموزشگاه‌ای نتیجه‌بخش می‌شود و محیط بهتری را برای آموزش فراهم می‌کند. رابطه نظم و انضباط با مسئولیت‌پذیری، رابطه‌ای متقابل است.

بعضی‌ها بر این باورند که برقراری نظم و انضباط در مدارس امروزی با توجه به اجتماعی که در آن قرار داریم خیلی مشکل است. آموزشگاه‌ای که نتوان در آن نظم را برقرار کرد، طبق مباحث قبلی این آموزشگاه موفق نخواهد بود. نه دانش‌آموز درس خواهد خواند و نه نظم کلاس را رعایت خواهد کرد.

خیلی از هنر آموزان مدارس ما از مشکل بی‌انضباطی زجر می‌کشند زیرا عاقبت بی‌انضباطی را درس نخواندن می‌دانند. انضباط و تعلیم و تربیت ارتباط خیلی نزدیکی دارند و بعضی دیگر از هنر آموزان با مدیریت خوب کلاس، انضباط را یک معضل نمی‌دانند.

بعضی هنر آموزان و معاونان بر این اعتقادند که برای برقراری نظم حتماً شیوه تشویق و تنبیه باید وجود داشته باشد و بعضی دیگر معتقدند برای دانش‌آموز باید محیطی فراهم آورد که در آن برای قدم گذاشتن در جاده پیشرفت مورد حمایت قرار گیرد و موانع سر راهش هموار گردد. به نظر آنان دانش‌آموز انگیزه درونی دارد بنابراین کافی است که این انگیزه پرورش یابد نه اینکه کنترل شود تا بتواند به بار بنشیند بنابراین طبق این

نظریه، هنر آموز که جهت دهنده است حرف اول را در پرورش نمی‌زند ولی به این معنی هم نیست که دانش‌آموز را به حال خود رها کنیم.

سعی کنیم با دانش‌آموزان بی‌انضباط، آرام، خونسرد و حرفه‌ای برخورد کنیم. این نکته خیلی مهمی است زیرا اگر مأمور پلیسی وسیله نقلیه ما را به خاطر رعایت نکردن قوانین رانندگی جریمه کند حق اجرای قانون انتظامی دولتی را دارد یعنی صدور برگه جریمه، ولی حق تحقیر و رجزخوانی و سرزنش شما را ندارد. در مورد دانش‌آموزان بی‌انضباط هم عیناً همین است ما در حیطه وظایف خود حق اجرای برنامه انضباطی را داریم ولی نباید با فریاد زدن و حرکت انگشت، یا نگاه‌های تهدیدآمیز و یا تعابیر نیش‌دار و... مورد بی‌انضباطی را به دانش‌آموز بگوییم. اگر برخورد ما با خونسردی و همراه با ریشه‌یابی باشد احتمال بیشتری دارد تا دانش‌آموز متوجه رفتارش شود زیرا ما می‌خواهیم با دانش‌آموزان تا پایان سال تحصیلی در آموزشگاه، با هم باشیم. اگر ما از دست دانش‌آموز، از حال طبیعی خود خارج شویم دیگر نمی‌توانیم به دانش‌آموز تسلط داشته باشیم. ما هنگام برخورد با دانش‌آموز بی‌انضباط باید آرام و خونسرد باشیم چرا که دانش‌آموزان از رفتار ما الگوگیری می‌کنند.

### منابع و مآخذ:

۱- میرزابیگی، علی، (۱۳۸۲)، نقش هنر در آموزش و پرورش و بهداشت روانی کودکان، تهران، انتشارات آموزشگاه، چاپ چهارم.

۲- هاجری، ضیاءالدین، (۱۳۷۲)، آنچه یک هنر آموز باید بداند، تهران، انتشارات راد، چاپ اول.

(کتاب مذکور ترجمه می‌باشد، اما نام مؤلف در آن نوشته نشده است.)